

شهید داده‌ام، از دردتان خبر دارم...

محمدکاظم کاظمی

شکسته می‌گذرم امشب از کنار شما
و شرمسارم از الطاف بی‌شمار شما
من از سکوت شب سردتان خبر دارم
شهید داده‌ام، از دردتان خبر دارم
تو هم به‌سان من از یک ستاره سر دیدی
پدر ندیدی و خاکستر پدر دیدی
تویی که کوچه غربت سپرده‌ای با من
و نعش سوخته بر شانه برده‌ای با من
تو زخم دیدی اگر تازیانه من خوردم
تو سنگ خوردی اگر آب و دانه من خوردم



... و ناگهان خانواده خدا شدیم

از گپ و گفت

با خانواده‌هایی آسمانی

مفقود الاثری سیدکاظم و ۱۴ سال چشم
انتظاری محمد هادی

حسینم اینجاست ...

سر در بدن نداشت...

پدر شهید: [سکوت]

عبدالرحیم جمشیدی
یک فریاد بود در اوج سکوت!